

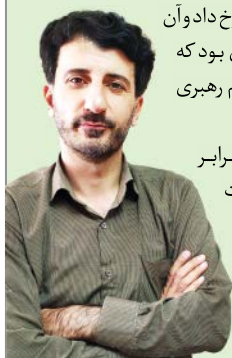
در نشست نقد و بررسی کتاب «روزهای جنگی سعید» مطرح شد:

# ظرف «ادبیات داستانی» کتاب‌های خاطره را خواندنی می‌کند

مرتضی قاضی: اشاره رهبر انقلاب به  
صد برابر شدن خاطرات، قوت قلب ما بود

در ابتدای جلسه، مرتضی قاضی گفت: انتشارات مرز و بوم وابسته به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. بعد از آن که آقای محسن رضایی فرمانده سپاه شدند، برای جلوگیری از تحریف در تاریخ جنگ، تلاش کردند روایانی تربیت کرده تا در کنار فرماندهان باشند و همه جلسات را ثبت و ضبط کنند. سند تلاش آنان که در ابتدا ۲۰ نفر بودند و در پایان جنگ به ۲۰۰ نفر رسیدند، ۳۵ هزار ساعت نوار صوتی شده است. پس از پایان جنگ، این اسناد تبدیل به سرمایه‌های مرکز شد که باید تبدیل به محصولات پژوهشی می‌شد. البته در این بین خلأیی وجود داشت و آن هم این بود که این اسناد در سطح فرماندهی جنگ بود، اما اتفاقات جنگ فقط در سطح فرماندهی نبود و در کف میدان نیز رزمندگانی حضور داشتند که بار اصلی جنگ را بر دوش می‌کشیدند. وی اضافه کرد: برای جبران این خلا، انتشارات مرز و بوم تأسیس شد تا بتواند روایت‌هایی از جنس مردم و رزمندگان حاضر در جنگ را شناسایی کرده و ثبت و ضبط کند. سال ۱۳۹۷ اتفاق مهمی رخ داد و آن هم شب خاطره‌ای بود که خدمت مقام معظم رهبری برگزار شد.

ایشان به صد برابر شدن خاطرات اشاره کردند. این موضوع قوت قلب بسیار خوبی به ما بود.



کتاب با خاطرات دوران کودکی اشتباه است.

این منتقد ادبی با طرح یک نقد به این کتاب گفت: معتقدم که باید از فرم ادبیات داستانی برای نوشتن کتاب‌های خاطره استفاده کنیم.

کتاب پیشرو از این نظر دچار ضعف است. برای مثال، خنده‌دارترین لحظات زندگی آقای بلوری به نحوی نوشته شده است که اصلاً ما را نمی‌خنداند! شاید ۲-۳ خاطره باشد که بتواند لبخندی بر لبان ما بیاورد.

این موضوع درباره غم‌دارترین خاطرات او نیز تکرار شده و ما را خیلی کم غمگین می‌کند. وی در پایان گفت: زمان به سرعت در حال گذر است و شاید خیلی از خاطرات این رزمندگان فراموش شود. از این رو، به نظرم باید خیلی سریع‌تر اقدام کنیم.



کرده و دوران انقلاب رادیده است. ایشان در ابتدا اعتماد نمی‌کرد، چرا که در آن زمان مجموعه گمنامی بودیم اما بالاخره موفق شدیم اعتماد او را جلب کنیم و کتاب «روزهای جنگی سعید» نوشته شد.

میثم رشیدی مهرآبادی: آغاز کتاب با  
خاطرات دوران کودکی اشتباه است!

میثم رشیدی مهرآبادی که به عنوان منتقد در این جلسه حضور داشت، طی سخنانی گفت: کتاب «روزهای جنگی سعید» به قدری خوب است که نمی‌توان نقدهای جدی بدان وارد کرد، اما چند نکته‌ای در باب محتوا و ساختار کتاب مطرح می‌کنم. از جمله نکاتی که توجهم را به خود جلب کرد، تصویری است که از شهید بلوری روی جلد کتاب آمده است. این تصویر خوب است اما خیلی شبیه به او نیست.

همچنین فونت کتاب کمی متفاوت با فونت‌های معمول است که در دیگر آثار استفاده می‌شود. همین موضوع کار را برای خوانش کتاب سخت

می‌کند. وی ادامه داد: کتاب «روزهای جنگی سعید» و دیگر آثار انتشارات مرز و بوم به همان نسبت که از نظر استناد و اطمینان به مطالب در اوج قرار دارد، اما خالی از ادبیات است. کتاب این ظرفیت را دارد که با کودکی راوی آغاز نشود. یکی از کارهایی که باید انجام شود این است که از بین همه خاطرات راوی، یک نقطه عطف مناسب انتخاب شده و کتاب با آن آغاز شود. بنابراین معتقدم که آغاز کردن

منتشر شد. سپس به کتاب «لبخندی به معبر آسمان» رسیدیم و خاطرات حاج محسن دین شعاری را به چاپ رساندیم. در همین زمان، خاطرات آقای بلوری را هم پیش می‌بردیم. شاید نوشتن کتاب خاطرات آقای بلوری کمی طول کشید، اما خوشحالم که توانستیم در این کتاب روایت دقیقی از ایشان را به چاپ برسانیم.

او درباره آشنایی خود با سعید بلوری گفت: خاطرم هست برای انجام تحقیقات کتاب خاطرات شهید سیدعلی موسوی به عنوان اولین شهید تفحص، سراغ آقای بلوری رفته بودیم و در همین بین متوجه شدیم که خاطرات خود او بسیار جذاب و شنیدنی است. نه تنها خاطرات آقای بلوری جدید بود، بلکه نوع گفتارش نیز جذاب بود. او رزمنده‌ای است که جبهه‌های غرب و جنوب را تجربه

به گزارش قفسه کتاب، نشست نقد و بررسی کتاب «روزهای جنگی سعید» در فرهنگسرای رسانه برگزار شد. کتاب «روزهای جنگی سعید» خاطراتی از سعید بلوری، جانباز و رزمنده گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) است. او در این کتاب، اتفاقات مهم این لشکر پرافتخار را روایت و رشادت‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس را بازخوانی کرده است. کتاب روزهای جنگی سعید با همکاری نشر مرز و بوم و گروه تحقیقاتی فتح الفتوح آماده و منتشر شده است. در این جلسه، هادی لطفی و میثم رشیدی مهرآبادی به عنوان منتقد حضور داشتند و عالمه محمدی، نویسنده این کتاب نیز توضیحاتی درباره آن ارائه داد. مرتضی قاضی، نویسنده و محقق ادبیات پایداری، کارشناس-مجری این برنامه بود و سعید بلوری، راوی کتاب نیز به بیان خاطراتی پرداخت.

عالومه محمدی: گردان تخریب برای ما  
قداست دارد

عالومه محمدی، عضو گروه تحقیقاتی فتح الفتوح و یکی از نویسندگان کتاب «روزهای جنگی سعید» بیان داشت: گروه تحقیقاتی فتح الفتوح از سال ۱۳۸۱ کارش را آغاز کرد و حاج اکبر صباغیان بنیان‌گذار آن بود. در این گروه، دوره تربیتی برای روابان اردوی راهبان نور برگزار می‌کردیم. دوره آموزشی تمام شد، اما از بین خواهران شرکت‌کننده، چند نفر درخواست ادامه همکاری دادند.

وی ادامه داد: گردان تخریب همیشه برای ما قداست خاصی داشته است. اولین کاری که برای آنان انجام دادیم، کتابچه‌های جیبی «معبر تنگ» بود که برای شهیدان محمودوند، پازوکی، موسوی، غلامی، زمانی و ... به چاپ رسید. آنها افرادی‌اند که برای بازگرداندن پیکر شهدای لشکر ۲۷ به خط زدند و خودشان هم شهید شدند. بعد از اینها، کتابی برای شهید سعید جان بزرگی آماده کردیم که تحت عنوان «طواف چشم»

## هادی لطفی: خاطرات آقای بلوری را جرح و تعدیل نکرده‌اند

هادی لطفی، دیگر منتقد حاضر در جلسه گفت: به نظرم دید بازی را از گروه فتح الفتوح و انتشارات مرز و بوم می‌بینیم که هیچ قسمتی از خاطرات آقای بلوری را سانسور نکرده است، حتی اگر این خاطرات مربوط به موضوعاتی باشد که خط قرمزند. وقتی کتاب را می‌خوانیم این حس به ما دست نمی‌دهد که از طرف راوی یا انتشارات سانسور صورت گرفته است. به نظرم این موضوع یکی از نقاط مثبت کتاب «روزهای جنگی سعید» است.

وی ادامه داد: یکی دیگر از موضوعاتی که سانسور نشده و به نظرم خوب است، اتفاقات مربوط به امدادهای غیبی است. بعضی از کتاب‌ها به موضوع امدادهای غیبی خیلی زیاد می‌پردازند و همین اتفاق باعث می‌شود مخاطب حس خوبی پیدا نکند. در این کتاب، روایت خود آقاسعید را می‌شنویم و امدادهای غیبی نیز در لابه‌لای آن به حد کافی بیان می‌شود. به نظرم در این کتاب، همراه با آقاسعید بزرگ می‌شویم. همراه شدن ما با او، آشنایی‌اش با فضای جنگ، معنوییتی که در آنجا وجود دارد و ... کم‌کم به ما نشان داده می‌شود و این اتفاق، تجربه شیرینی برای ماست.

لطفی درباره لحن و روایت کتاب «روزهای جنگی سعید» گفت: آقای رشیدی اشاره کردند که در کارهای تاریخ شفاهی نیاز به ادبیات داریم. من خیلی موافق با این سخن نیستم و به نظرم پررنگ بودن ادبیات در کارهای تاریخ شفاهی خیلی اولویت نیست. دقت داشته باشید که در تاریخ شفاهی با یک راوی مواجهیم. در اینجا دو حالت پیش می‌آید: یا فرد راوی، واقعه‌گوست و می‌تواند خاطراتش را به گونه‌ای تعریف کند که مخاطب را به خود جلب کند، یا این‌که صرفاً اطلاعات و خاطرات را بیان می‌کند. به نظرم نقش نویسنده کارهای این مدلی این است که خودش راوی بشود. در حقیقت، اگر راوی قدرت روایت خوب را ندارد، خودش تبدیل به راوی بشود و با استفاده از عناصر داستانی، روایت‌ها را بیان کند.

